

مبانی رفتار سیاست خارجی روسیه در قبال پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران

دکتر حسین پوراحمدی *

امیر عباسی خوشکار **



چکیده

آنچه در پژوهش حاضر در جست‌وجوی آن هستیم، فهم و توضیح اثرگذاری اهداف جهانی و تعاملات سیاسی و اقتصادی روسیه با غرب بر رفتار سیاست خارجی این کشور در قبال پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران است. پرسش اصلی: اهداف کلان سیاست خارجی و جایگاه منافع و روابط با غرب چگونه رفتار سیاست خارجی روسیه در قبال پرونده هسته‌ای ایران را تحت تأثیر قرار داده است؟

* عضو هیئت‌علمی دانشگاه شهید بهشتی (h-pourahmadi@sbu.ac.ir)
** کارشناس ارشد روابط بین‌الملل (khoshkar1392@yahoo.com)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۰/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۳/۱۷

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هشتم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۱، صص ۳۹-۷۷.

فرضیه: در ادامه نگاه سنتی شوروی/ روسیه نسبت به ایران در خصوص ضعیف نگاه داشتن این کشور از یک سو و جلوگیری از نفوذ غرب در ایران از سوی دیگر، اهداف کلان سیاست خارجی روسیه به‌ویژه در تلاش برای کسب منافع حاصل از همکاری‌ها و تعاملات منفعت‌گرایانه و سه حوزه تعاملاتی با غرب شامل اقتصاد و خطوط لوله انرژی، کنترل تسلیحات و سپر دفاع موشکی و نیز تحولات خاورمیانه عربی و سوریه رفتار سیاست خارجی این کشور را به سمت اتخاذ نوعی دیپلماسی چندجانبه‌گرایی محدود در قبال پرونده هسته‌ای ایران تحت تأثیر قرار داده است. نظریه نواقح‌گرایی به منظور بررسی و فهم عناصر سطوح کلان تأثیرگذاری در سیاست خارجی دولت‌ها در نظر گرفته شده است. روش توضیحی تحلیلی ما در این مقاله مبتنی بر جمع‌آوری و استنباط دسته‌بندی‌شده متغیرها و تبیین روابط میان آنها به منظور رسیدن به یک الگوی تحلیلی مناسب با استفاده از مطالعه متون تخصصی مرتبط با موضوع پژوهش حاضر است.

واژگان کلیدی: نواقح‌گرایی، رفتار سیاست خارجی روسیه، پرونده هسته‌ای ایران، ساختار نظام بین‌الملل، دیپلماسی چندجانبه محدود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

مطالعه سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ شاخه‌ای از برنامه‌های پژوهشی نهادهای علمی است که به دلیل اهمیت نظری و کاربردی آن در طراحی الگوهای رفتار سیاست خارجی بازیگران دولتی با شعاع اقدام مختلف منطقه‌ای و جهانی در نیمه دوم قرن بیستم گسترش و توسعه بیشتری پیدا کرده است. بررسی رفتار سیاست خارجی دولت‌ها که در بسیاری از نظریه‌های روابط بین‌الملل به عنوان مهم‌ترین بازیگر صحنه مناسبات سیاسی و اقتصادی از آنها نام برده می‌شود، مبتنی بر یافتن نقاط عمل تکرارشونده و دغدغه‌های آشکار (اسناد سیاسی و نظامی رسمی) و پنهانی آنهاست. در واقع، ترسیم مختصات رفتار یک بازیگر بر پایه مطالعه فرایند تعاملات آن بازیگر با عناصر محیطی در سطوح داخلی، منطقه‌ای و جهانی صورت می‌پذیرد.

در چهارچوب پژوهش حاضر، روسیه پساکمونیزم بازیگری است در ردیف قدرت‌های منطقه‌ای و «رو به سمت قدرت جهانی شدن» که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ضمن تغییر اولویت‌های راهبردی خود در ابعاد ایدئولوژیکی و نوع تعامل با دولت‌های اروپایی و آمریکا در بحث پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران مانند بازیگری مؤثر در اعمال فشارهای نظام بین‌الملل به عنوان مجموعه‌ای از کشورهای در تعارض حداکثری با راهبردهای منطقه‌ای جمهوری اسلامی (اروپا، آمریکا و چین) با سیاست خارجی متفاوت از سایر اعضای آتلانتیکی شورای امنیت بوده است. اهمیت یافتن الگویی پایدار از رفتار سیاست خارجی روسیه در پرونده هسته‌ای ایران به دلیل فهم بهتر از مجموعه عناصر تشکیل‌دهنده رفتار فدراسیون روسیه در این خصوص است.

پرسش اصلی نوشتار حاضر این گونه طرح می‌شود: اهداف کلان سیاست خارجی و جایگاه منافع و روابط با غرب چگونه رفتار سیاست خارجی روسیه در قبال پرونده هسته‌ای ایران را تحت تأثیر قرار داده است؟ فرضیه ما در این مقاله به این صورت عنوان می‌شود که در ادامه نگاه سنتی شوروی/ روسیه نسبت به ایران در خصوص ضعیف نگاه داشتن ایران از یک سو و جلوگیری از نفوذ غرب در ایران از سوی دیگر، اهداف کلان سیاست خارجی روسیه به ویژه تلاش برای کسب منافع حاصل از همکاری‌ها و تعاملات منفعت‌گرایانه و سه حوزه تعاملاتی با غرب شامل اقتصاد و خطوط لوله انرژی، کنترل تسلیحات و سپر دفاع موشکی و نیز تحولات خاورمیانه عربی و سوریه رفتار سیاست خارجی این کشور را به سمت اتخاذ نوعی دیپلماسی چندجانبه‌گرایی محدود در قبال پرونده هسته‌ای ایران تحت تأثیر قرار داده است.

روش پژوهشی‌ای که نگارندگان برای رسیدن به مدعای خود یعنی استخراج الگوی تحلیلی از رفتار سیاست خارجی روسیه در پرونده هسته‌ای ایران از آن بهره برده‌اند، روش توضیحی تحلیلی است. در این روش، ابتدا متغیرهای اثرگذار در رفتار سیاست خارجی روسیه مشخص می‌شوند و سپس ضمن توضیح نحوه اثرگذاری آنها، به تبیین ارتباط آنها با یکدیگر و نحوه شکل‌دهندگی آنها به الگوی رفتار سیاست خارجی اشاره می‌شود. در ادامه، استفاده از الگوهای ترسیمی و تصویری به منظور افزایش میزان شفافیت دستاوردهای پژوهشی از جایگاه بالایی برخوردار است. در روش مذکور، منابع دست‌اول تخصصی (پارسی و لاتین) و اظهارنظرهای مقامات سیاسی و رهبران کشورها از جایگاه راهبردی برخوردار است.

نوشتار پیش رو در پنج بخش مرتبط با یکدیگر سازماندهی شده است:

۱. نظریه نواقع‌گرایی به عنوان چهارچوب نظری پژوهش؛
۲. منافع و اهداف کلان سیاست خارجی روسیه؛
۳. روابط سنتی ایران و روسیه؛
۴. تعاملات اقتصادی، سیاسی و امنیتی روسیه با غرب؛
۵. الگوی سیاست خارجی روسیه در قبال پرونده هسته‌ای ایران.

۱. نظریه نوواقع‌گرایی به عنوان چهارچوب نظری پژوهش

از مطرح‌ترین نظریه‌پردازانی که در تحلیل سیاست بین‌الملل بر نقش کلیدی نظام بین‌الملل تأکید کرده کنت والتز است.^(۱) والتز سه مؤلفه کلیدی را برای ساختار سیستم بین‌الملل در نظر می‌گیرد:

۱. میان واحدهای سیستم سیاسی - بین‌المللی (دولت‌ها) نوعی نظم آنارشیک جریان دارد.

۲. واحدها با وجود ویژگی‌ها و توانمندی‌های متفاوتی که دارند، در خصوص پذیرش اصل بقای خودیارانه در عرصه بین‌الملل مشابه هستند.

۳. با وجود تشابه کارکردی خودیارانه واحدها برای انجام کارکردهای خود توانمندی‌های همسانی ندارند و برخی قدرتمندتر از دیگران هستند.^(۲)

در سیستم بین‌الملل، عامل تمایز میان واحدها توزیع توانمندی میان آنهاست و با تغییر در آن ثبات ساختار به هم می‌خورد و نظم ساختاری دیگری شکل می‌گیرد. اصل آنارشی و اصل تشابه کارکرد خودیارانه واحدها چه در دوره جنگ سرد و چه پس از آن وجود داشته است، ولی توزیع توانمندی تغییر کرده و سیستم متحول شده است. برای مثال، در این رویکرد همسویی‌های تابعانه روسیه با امریکا در جهان پس از جنگ سرد از نشانه‌های تغییر در نظم و شکل ساختاری سیستم بین‌المللی پس از جنگ سرد است. ساختارها به وسیله بازیگران غیرمشخص بسیاری بازتولید می‌شوند، بدون اینکه تعمداً در خلق مجدد آنها تظاهر یابد.^(۳) ساختارها هستند که سیستم داخلی را از سیستم بین‌المللی متمایز می‌سازند. بر همین اساس، تعریف والتز از سیستم ارتباط تنگاتنگی با تعریف او از ساختارهای سیستم و نقش تعیین‌کننده این ساختارها بر اجزا و واحدهای سیستم دارد.^(۴) در سیاست بین‌الملل، قدرت بی‌چون‌وچرا دفع خواهد شد و دیگران را به سمت برقرار ساختن توازن سوق می‌دهد.^(۵)

در چهارچوب ساختار برآمده از پایان جنگ سرد، دولت‌ها سعی می‌کنند با استفاده از ساختارهای نظامی (موازنه درونی) یا از طریق شرکت در ائتلاف‌های ضدهژمونیک (موازنه بیرونی) یا هر دو، دولت‌های قوی‌تر را مهار سازند.^(۶)

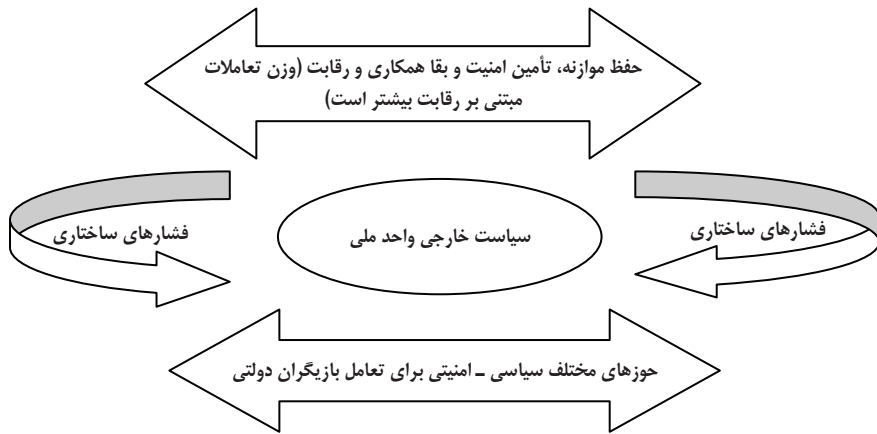
نظم موازنه‌محور مبتنی بر موازنه نرم که از پیامدهای یک‌جانبه‌گرایی هژمونیک

و از اشکال جدید موازنه است. در این الگو، راهبردهایی که برای محدود ساختن قدرت هژمون به کار برده می‌شود، صلح‌آمیز است؛ زیرا می‌خواهد از تأثیر مخربی پرهیزد که برتری هژمون می‌تواند برای واحد موازنه‌گر داشته باشد. راهبردهایی نظیر استفاده از نهادهای بین‌المللی و دیپلماسی در کنار تقویت بنیه اقتصادی می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند. البته تقویت بنیه اقتصادی می‌تواند پایه‌ای برای موازنه سخت در آینده هم باشد.^(۸) بر اساس منطق نواقح‌گرایی، «اگر کشوری می‌خواهد پیروز و موفق باشد، چاره‌ای جز قراردادن کسب قدرت در صدر اهداف فوری و ضروری خود ندارد».^(۸)

تعامل مثبت و همکاری دسته‌جمعی و چندجانبه‌گرایانه در دیپلماسی نوین تلاش برای توضیح و سازش دادن هرچه بیشتر دیدگاه‌ها و مواضع متفاوت و تصمیم‌گیری از طریق اجماع برای حل معضلات و مشکلات پیش‌آمده و کسب نتایج قابل قبول برای طرف‌های مذاکره است. اگرچه نتایج این گونه مذاکرات لزوماً تضمین منافع طرفین به یک اندازه را در پی ندارد و امکان دارد عملاً منافع طرف یا طرف‌هایی از مذاکرات بیش از طرف‌های دیگر در نظر گرفته شود، ولی در اینجا هدف به طور عمده شناسایی حوزه‌های منافع و تضاد است و تمرکز بر منافع مشترک و تلاش برای دوری جستن از تهدیدات و تضادهای مشترک شانس رسیدن به توافقات تدریجی و نسبی به منظور حفظ منافع و کاهش تهدیدات مشترک را در پی دارد.^(۹)

در پایان این بخش، با توجه به منطبق‌سازی مواد پژوهشی گردآمده در مقاله حاضر و استفاده از چهارچوب تحلیلی نواقح‌گرایی به منظور معنادار کردن داده‌های پیش رو، ذکر این نکته ضروری است که حرکت روسیه به سمت جهان چندقطبی به منظور دریافت سهم بیشتر از مدیریت بحران‌های موجود در مناطق حیاتی از جمله خارج نزدیک و سایر متحدان این کشور در قاره آسیا و به طور خاص خاورمیانه - از جمله انقلاب‌های اسلامی عربی - مستلزم تعامل با قدرت‌های ساختارساز و رویه‌ساز جهانی است تا در پناه آن، ضمن رسیدن به وضعیت تعادل استراتژیک مطلوب با افزایش مقدورات سیاست خارجی از تنگناهای استراتژیک برآمده از ساختار نظام بین‌الملل در قالب فرایند موازنه‌سازی با غرب به طور نسبی خارج شود.

شکل شماره ۱. ساختار نظام بین‌الملل و فرایندهای بین‌دولتی



۲. منافع و اهداف کلان سیاست خارجی روسیه

در یک تعبیر استعاری، اصول سیاست خارجی قدرتهای بزرگ همچون ستاره راهنما و قطب‌نمای حرکت این قدرتها در سرزمین سیاست بین‌الملل است. اسناد اصول کلان سیاست خارجی روسیه که طی سالهای گذشته انتشار یافته، بیان‌کننده خطوط کلی رفتارهای این کشور در نظام بین‌الملل است.^(۱۰) نگارندگان در چهارچوب روش توضیحی - تبیینی، در این قسمت به بررسی برخی از نمودهای اعلامی در اسناد راهبردی این کشور خواهند پرداخت. بر اساس «سند مفهوم سیاست خارجی روسیه» که در سال ۲۰۰۳ منتشر شد، تدبیر سیاست خارجی، امنیت ملی و رهنامه روسیه در بردارنده اصول کلان سیاست خارجی این کشور است که در خود اهداف بلندمدت، کوتاه‌مدت، اولویتها و تهدیدات دور و نزدیک امنیتی و ترسیم چهره کنونی و مطلوب نظام جهانی را در بر می‌گیرد. در این سند، بر دستیابی به جایگاهی محکم و آبرومندانه در جامعه جهانی که با منافع روسیه به عنوان یک قدرت بزرگ و مراکز جهانی همخوانی کامل داشته و تأثیرگذاری در فرایندهای کلی جهانی با هدف شکل دادن به یک نظم جهانی عادلانه و دموکراتیک تأکید شده است.

همچنین در این سند، اولویتهای منطقه‌ای سیاست خارجی روسیه نیز به

ترتیب اهمیت چنین بیان شده‌اند:

■ تلاش‌های دو یا چندجانبه برای هم‌گرایی کشورهای مستقل مشترک‌المنافع در جهت امنیت ملی روسیه،

■ روابط با دولت‌های اروپایی،

■ آمادگی روسیه برای تقویت روابط با امریکا و حل مشکلات موجود بر سر راه آن،

■ تأکید بر اهمیت کشورهای آسیایی خاورمیانه، افریقا و امریکای لاتین.^(۱۱)

در نسخه جدید این سند در ژانویه ۲۰۰۸، با اشاره به عضویت روسیه در شورای امنیت، گروه ۸ - و سایر سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای بر استفاده از این ظرفیت‌ها برای افزایش کارآمدی سیاست خارجی روسیه تأکید شده است. همچنین، بر نقش‌آفرینی بیشتر مسکو در اقتصاد و سیاست جهانی، رد نظم بین‌المللی تک‌قطبی و بر نقش روسیه در بنیان‌گذاری نظام بین‌المللی جدید اشاره می‌شود. در سند تأکید شده است که این کشور بزرگ‌ترین قدرت اوراسیایی است و جایگاه آن به عنوان یکی از دولت‌های رهبری‌کننده جهان و عضو دائم شورای امنیت تقویت شده است. منافع ملی آن ایجاب می‌کند که در دستورکارهای بین‌المللی نقش بیشتری ایفا کند. هدف اصلی سیاست خارجی روسیه در اروپا ایجاد یک نظام واقعی باز و همکاری امنیتی منطقه است.^(۱۲)

اصول امنیت ملی ارائه شده در دوران ریاست جمهوری مدوودف، حاکی از تداوم همان اصول سیاست خارجی روسیه در دوران قبل با ویژگی اقتصادی بیشتر است. این اصول عبارتند از: (۱) تأکید بر افزایش نقش روسیه در مسائل جهانی؛ (۲) کنار گذاشتن مقابله و مبارزه ایدئولوژیکی از نگاه روسیه در دوران حاضر؛ (۳) کنار گذاشتن مفهوم دشمن و استفاده از کلماتی مانند رقابت و همکاری در برابر غرب؛ (۴) دفاع از اصول حقوق بین‌المللی و ممانعت از یک‌جانبه‌گرایی؛ (۵) جلوگیری از منزوی شدن روسیه حتی به وسیله رابطه خوب با غرب. فدراسیون روسیه تروریسم، جدایی‌طلبی، ملی‌گرایی افراطی، اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی و جرایم سازمان‌یافته را تهدیدی علیه ثبات راهبردی می‌داند.^(۱۳)

در جدیدترین سند اصول کلان سیاست خارجی در سند رهنامه روسیه در سال ۲۰۱۰، دغدغه‌ها و نگرانی‌های این کشور از جمله در زمینه خطرهای نظامی اصلی

خارجی چنین بیان شده‌اند: ۱) علاقه به اعطای وظایف جهانی به سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و انجام این وظایف برخلاف هنجارهای حقوق بین‌الملل و نزدیک‌تر ساختن زیرساخت نظامی کشورهای عضو با توجه به مرزهای فدراسیون روسیه از جمله از راه توسعه این بلوک؛ ۲) ایجاد و استقرار سامانه‌های دفاع موشکی راهبردی که ثبات جهانی را تضعیف و هم‌بستگی شکل‌گرفته نیروها در حوزه هسته‌ای - موشکی را بر هم زده و نیز نظامی کردن فضای خارج از جو و استقرار سامانه‌های تسلیحات دقیق غیرهسته‌ای راهبردی؛ ۳) گسترش سلاح‌های کشتار جمعی موشک‌ها و فناوری‌های موشکی و افزایش تعداد دولت‌های برخوردار از سلاح هسته‌ای؛ ۴) استفاده از نیروی نظامی در اراضی دولت‌های هم‌جوار با فدراسیون روسیه برخلاف منشور سازمان ملل و دیگر هنجارهای حقوق بین‌الملل؛ ۵) گسترش تروریسم بین‌الملل؛ ۶) پیدایش مراکز تنش میان‌قومی، فعالیت گروه‌های رادیکال مسلح بین‌المللی در مناطق هم‌جوار با مرز دولتی فدراسیون روسیه و مرزهای متحدان آن، وجود معارضات ارضی و رشد جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی خشن (مذهبی) در مناطق خاصی از جهان.^(۱۴)

اکنون در متون و اظهارات رسمی اهداف استراتژیک روسیه، تبدیل این کشور به یک قدرت جهانی مورد احترام، هم‌گرایی حساب شده و در ساختار بین‌المللی با علم تسلط غرب بر آن و نمایش قدرت و نفوذ روسیه اعلام می‌شود. از دیدگاه مسکو، اهداف مذکور از طریق تحکیم امنیت بین‌المللی و ثبات استراتژیک و ایجاد یک نظم جهانی چندقطبی حاصل خواهد شد که در آن قدرت‌های بزرگ یعنی آمریکا، روسیه، اتحادیه اروپا و چین مدیریت امور بین‌الملل را از طریق نهادهایی نظیر سازمان ملل متحد بر عهده خواهند داشت. راهکار اصلی تأمین ثبات استراتژیک روسیه مقابله با تهدیدات جهانی است.^(۱۵)

از سوی دیگر، ناسیونالیسم نوین روسی نه بر محور ایدئولوژی که بر محور منفعت امنیت و نفوذ روسیه به عنوان یک بازیگر بین‌المللی استوار است. همچنین، انگاره‌هایی از رسالت فراملی روسی برای پیشبرد یک جهان چندقطبی که ایالات متحده آمریکا تنها یکی از قطب‌های آن به شمار می‌رود و ایجاد یک هویت ژئوپلیتیک اوراسیایی متمایز از غرب و مبارزه با تهدیدات متصور از فرهنگ غربی

نیز از دیگر محورهای این ناسیونالیسم نوین است.^(۱۶) در ماه آوریل ۲۰۱۰، در پاسخ پرسش «روسیه باید با کدام کشور در سیاست خارجی خود بیشتر همکاری کند؟»، ۵۰ درصد از مردم روسیه اروپای غربی و ۳۰ درصد امریکا بود. بنا به آمار یکی از نظرسنجی‌هایی که در سال ۲۰۰۹ در روسیه برگزار شد، ۵۳ درصد از شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی از عضویت روسیه در اتحادیه اروپا استقبال کردند. این گرایش به احتمال زیاد ادامه خواهد داشت.^(۱۷) با توجه به اهداف اعلامی روسیه در اسناد راهبردی خود، می‌توان در قالب نمای ترسیمی زیر به الگویی از رفتار سیاست خارجی روسیه دست یافت. در این الگوی قدرت، جهانی شدن در مرکز هدف کلان سیاست خارجی روسیه قرار می‌گیرد و سایر مؤلفه‌های تنظیم‌کننده مناسبات روسیه با سایر بازیگران نظام بین‌الملل و به طور خاص اعضای ناتو در جهت تسهیل دستیابی کرملین به هدف کلان ذکر شده عمل می‌کند. ارتباط متغیرهای چهارگانه استراتژیک به صورت افقی و شبکه‌ای بدون سلسله‌مراتب است، به طوری که راهبردهای فوق به صورت هم‌زمان و به صورت مکمل یکدیگر در سیاست خارجی روسیه نقش آفرینی می‌کنند.

شکل شماره ۲. مبانی رفتار سیاست خارجی روسیه در برابر غرب



۳. روابط سنتی ایران و روسیه

اهداف عمده این کشور طی چند قرن در ایران شامل این موارد بود: ۱) تصرف سرزمین هر جا که ممکن باشد؛ ۲) جلوگیری از نفوذ کشورهای مخالف منافع روسیه در سرزمین ایران؛ ۳) سیطره بر سیاست داخلی و خارجی ایران به منظور به حداقل رساندن نفوذ دولت‌های خارجی در ایران؛ ۴) کسب حداکثر منافع اقتصادی و سیاسی در ایران؛ و ۵) ضعیف نگاه داشتن ایران.

روسیه تزاری در روابط خود با ایران به طور عمده سیاستی استعماری را دنبال می‌کرد که در وهله اول، بر ملاحظاتی نظامی - سیاسی استوار بود و با انعقاد قراردادهای گلستان و ترکمنچای به کامیابی انجامید و این کشور با تصرف قسمت‌هایی از قلمرو ایران به مرزهای طبیعی مورد علاقه خود رسید و در وهله دوم، رقابت روسیه با انگلستان آغاز شد که هر یک از دو دولت برای گرفتن امتیازات سیاسی و اقتصادی ایران را زیر فشار شدیدی قرار می‌دادند. از سال ۱۹۱۷، بلشویک‌های شوروی تمام امتیازاتی را که در زمان روسیه تزاری از ایران اخذ شده بود، باطل اعلام کردند. با توجه به نگرانی‌های امنیتی و جاه‌طلبی‌های حکومت جدید شوروی، بیانیه‌های پرطمطراق ناظر بر اصول انقلابی دوام چندانی نیافت و نیازهای امنیتی و ملاحظات راهبردی و ایدئولوژیکی شوروی اولویت‌های سیاست خارجی این کشور را تحت تأثیر قرار داد.^(۱۸)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی که به حضور ایالات متحده در ایران پایان داد، مسکو به این نتیجه رسید که نگرانی امنیتی اتحاد شوروی در ایران به سمت راه‌حل کاملاً مطلوبی حرکت می‌کند و در واقع، برای شوروی اگر جذب ایران در مدار کمونیسم ممکن نبود، حفظ ایران به عنوان کشوری مستقل و غیرمتعهد مهم‌ترین اولویت بعدی بود. با وجود خوش‌باوری‌های اولیه مقامات شوروی، انقلاب اسلامی با سیاست‌های شوروی نیز همراه نبود. چنانچه امام خمینی فرمودند: «ما با کمونیسم بین‌الملل به همان اندازه در ستیزیم که با جهان‌خواران غرب به سرکردگی امریکا و صهیونیسم مبارزه می‌کنیم. خطری که از ناحیه کمونیسم متوجه ماست، کمتر از امریکا نیست».^(۱۹) پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران و برقراری آتش‌بس و خروج نیروهای شوروی از افغانستان در بهمن‌ماه همان سال باعث شد که موانع عمده در

ایجاد روابط دو کشور برداشته شود. ایران و شوروی در اوایل تیرماه ۱۳۶۸ توافق نامه همکاری های اقتصادی را تا سال ۲۰۰۰ میلادی در حجمی بالغ بر شش میلیارد دلار در مسکو امضا کردند.^(۲۰)

با کاهش تقابل گری های سیاسی روسیه با غرب و خارج شدن اهداف ایدئولوژیک از صدر اولویت های سیاست خارجی این کشور معادله دو متغیری همکاری - رقابت، جایگزین نامعادله تک متغیری تقابل ایدئولوژیکی صرف شد و وضعیت تعاملات سیاسی و اقتصادی ایران و روسیه تابع متغیر مناسبات ایران و غرب و سطح قدرت منطقه ای جمهوری اسلامی شد.^(۲۱)

روسیه برای رسیدن به جایگاه قدرت منطقه ای و جهانی نمی تواند ایران را در معادلات سیاست خارجی خود نادیده بگیرد، ولی با توجه به چهار متغیر راهبردی حاصل شده از بحث بخش مبانی رفتار سیاست خارجی روسیه، ایران ظرفیت اندکی را نسبت به غرب برای ایفای نقش در مناسبات دوجانبه و در سطحی کلان تر چندجانبه با روسیه دارد. دغدغه های منطقه ای و اقتصاد انرژی محور روسیه و همچنین، رقابت های منفی منطقه ای روسیه با ایران در آسیای مرکزی و خاورمیانه (به استثنای سوریه)، زمینه های واگرایی تعاملات میان این دو کشور را بازگو می کند. به اعتقاد برخی از محققان روابط بین الملل، به دلیل نیازهای راهبردی و تنش های مهارشده روسیه با غرب در مسائل مهم سیاسی و اقتصادی، ایران هیچ گاه متحد مطمئن و استراتژیکی برای روسیه نبوده است. در قالب همین دیدگاه، روزنامه ایترنشنال هرالد تریبون نوشت: «حتی اگر آمریکا به ایران حمله و برنامه هسته ای این کشور را نابود کند، برای روسیه اشکالی ندارد؛ زیرا قیمت نفت و گاز این کشور افزایش یافته و علاوه بر آن روسیه به پیمان کار اصلی بازسازی تجهیزات هسته ای ایران تبدیل خواهد شد. در حالی که آمریکا در عراق دست و پا می زند و با یک بحران مالی روبه روست، روسیه مسئله ایران را حفره ای راهبردی برای دستیابی به یک جایگاه جدید جهانی می بیند.»^(۲۲)

۴. تعاملات اقتصادی، سیاسی و امنیتی روسیه با غرب

الف) انرژی و خطوط لوله

اروپا وابستگی انرژی گسترده‌ای به روسیه دارد. اتحادیه اروپا برای واردات انرژی از روسیه بالاترین رقم را در جهان پرداخت می‌کند. این اتحادیه هم‌اکنون هر هزار متر مکعب گاز از روسیه را حدود ۴۵۰ دلار خریداری می‌کند؛ رقمی که واردکنندگان دیگر انرژی آماده پرداخت آن نیستند؛^(۳۳) در شرایطی که انتظار می‌رود واردات نفت اروپا در دوره بین ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ تنها بین ۱۵ تا ۲۵ درصد افزایش یابد. واردات گاز تا ۱۴۰ درصد و در شرایط رشد آرام تا ۱۱۰ درصد افزایش خواهد یافت. این امر نتیجه افزایش مصرف و کاهش تولید گاز در اروپاست.^(۳۴) اروپا نیمی از گاز طبیعی و ۳۰ درصد از نفت خود را از روسیه تأمین می‌کند. در سال ۲۰۰۶، روسیه حدود ۱۳۲ میلیارد متر مکعب از نیاز اروپا به گاز طبیعی را تأمین کرده است.^(۳۵)

جدول شماره ۱. درصد وابستگی کشورهای اتحادیه اروپایی به واردات گاز

۲۰۰۳	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۲۰	۲۰۲۵
%۴۶	%۵۹	%۷۱	%۸۲	%۸۷

Source: <http://eurogas.org/2008>

مصرف‌کنندگان اروپایی حدود سه‌چهارم گاز مصرفی خود را از طریق خط لوله دریافت می‌کنند. بیش از ۸۰ درصد گاز اروپا از روسیه و الجزایر تأمین می‌شود. بخش مهمی از برق اروپا مدیون واردات، ۴۰ درصد گاز از روسیه، ۳۰ درصد الجزایر و ۲۵ درصد از نروژ است. تا سال ۲۰۳۰ واردات گاز اروپا از روسیه به ۶۰ درصد می‌رسد.^(۳۶) دبیر کل ناتو در نشست اعضای این سازمان در ریگا در سال ۲۰۰۷، امنیت انرژی را یکی از مسائل کانونی مورد توجه این سازمان خواند. با وجود اختلاف‌نظرهای امریکا و اروپا مسئله امنیت انرژی به یکی از مباحث جدی در گفت‌وگوهای فراتلانتیکی تبدیل شده است. برای اروپا هم تأمین انرژی و هم بهای آن بیشتر بحثی منطقه‌ای و تجاری است.^(۳۷) توماس فریدمن طی مقاله‌ای در روزنامه نیویورک تایمز با این عبارت که هم‌اکنون تأثیر لوله‌های گاز روسیه بر اروپا بسیار بیشتر از موشک‌های اس‌اس‌۲۰ آن کشور است به این مهم اشاره می‌کند.^(۳۸)

وقتی شرکت گاز پروم^۱ عرضه گاز به اوکراین را در ژانویه سال ۲۰۰۶ قطع کرد (افت ۳۵ درصدی در اتریش و افت ۴۰ درصدی در مجارستان)، منطقه به طور قابل توجهی با کاهش عرضه روبه‌رو شد.^(۲۹)

خطوط لوله نورد استریم و ساوت استریم دو خط لوله عمده طراحی شده به وسیله روسیه هستند که با هدف کاهش وابستگی این کشور به مسیرهای فعلی ترانزیت گاز به اروپا در دست اجرا می‌باشند. در پروژه ساوت استریم نیز گاز پروم روسیه غول گازی این کشور با انی ایتالیا غول بزرگ نفت و گاز اروپا شریک است. این پروژه ۹۰۰ کیلومتری شامل دو بخش دریایی و خشکی است که گاز روسیه را با عبور از دریای سیاه به جنوب و مرکز اروپا منتقل خواهد کرد.^(۳۰)

شرکت دولتی نفت و گاز روسیه، روس نفت و شرکت امریکایی اگزون موبیل روز سی‌ام ماه اوت یک قرارداد چند میلیون دلاری برای استخراج منابع انرژی در آب‌های دریای سیاه و قلمرو روسیه در اقیانوس منجمد شمالی امضا کردند. امضای این قرارداد برای شرکت روس نفت یک موفقیت بزرگ است که مدت‌ها در جست‌وجوی شریکی از میان شرکت‌های غربی بود که برای حفرهای عمیق در شرایط دشوار مناطق قطبی تجربه کافی داشته باشد. بر پایه این قرارداد، شرکت روس نفت نیز مجاز خواهد شد تا به بخشی از منابع انرژی در خلیج مکزیک و ایالت تگزاس امریکا دسترسی پیدا کند؛ به این ترتیب، روس نفت یک گام دیگر به سوی تبدیل شدن به یک شرکت بین‌المللی در عرصه انرژی برداشته است. بر اساس بیانیه شرکت امریکایی اگزون موبیل حدود ۳ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار برای استخراج در سه حوزه مختلف و با عمق ۵۰ تا ۱۵۰ متر در قلمرو دریایی روسیه در اقیانوس منجمد شمالی و آب‌های دریای سیاه در نظر گرفته است.^(۳۱) روسیه به دلیل وابستگی اقتصادی به صادرات انرژی به اروپا و لزوم انتقال سرمایه و فناوری به صنایع استخراجی خود در قالب طرح‌های دوجانبه و چندجانبه مجبور به همکاری با امریکا و اتحادیه اروپا است؛ بنابراین، درآمدهای ارزی به عنوان اهرمی برای انتقال روسیه به جایگاه «یکی از قدرت‌های جهانی» برای مقامات کرملین اهمیت دارد.^(۳۲)

1. Gazprom

ب) اقتصاد

روسیه دارای وابستگی اقتصادی به‌ویژه در بخش فناوری به اتحادیه اروپاست. این کشور برای موفقیت برنامه‌های توسعه اقتصادی و تحقق هدف‌های دولت خود در جهت دو برابر کردن تولید کالاها و خدمات با ارزش بالا به اقتصاد دانش‌محور اتحادیه اروپا نیازمند است.^(۳۳) همچنین، در شرایطی صنعت انرژی روسیه برای تأمین نیاز روبه‌رشد مصرف‌کنندگان داخلی و خارجی به سرمایه‌گذاری در این بخش قویاً چشم انتظار دوخته است که اتحادیه اروپا تأمین‌کننده بیش از نیمی از سرمایه‌گذاری خارجی در این کشور است.^(۳۴) عبور از اقتصاد بسته به اقتصاد سرمایه‌داری و گسترش مبادلات اقتصادی با قدرت‌های بزرگ جهانی از جمله اهداف راهبردی روسیه برای رسیدن به ثبات استراتژیک و قرارگرفتن این کشور در ردیف قدرت‌های بزرگ جهانی است. توجه به بعد اقتصادی روابط روسیه و غرب از آن‌رو اهمیت دارد که به موازات گسترش نقش اقتصادی غرب در جهان امکانات مبادلات اقتصادی میان مسکو و غرب با خاتمه‌یافتن رقابت ایدئولوژیک دوران جنگ سرد مورد توجه قرار گرفته است. تعریف روسیه از امنیت و منافع خود و درک این واقعیت به‌وسیله مقام‌های مسکو که مؤلفه‌های قدرت تأثیر تعیین‌کننده در منافع دارند این فرصت را به وجود آورده که روسیه از یک سو نقش غرب در منطقه را پذیرفته و از سوی دیگر با هدف افزایش قدرت و پیشبرد منافع خود به تعامل اقتصادی با غرب بیندیشد که عناصر قدرت اقتصادی را در اختیار دارد. تعامل اقتصادی روسیه و غرب با در نظر گرفتن امتیازهای هر طرف فراز و نشیب‌هایی دارد. مبادله تجاری روسیه با آمریکا در دهه اول قرن بیست و یکم نشان‌دهنده شیب تراز تجاری به سمت مسکو است. مسکو با اتخاذ رویکرد سیاست خارجی در خدمت اصلاحات اقتصادی و اجتماعی، معادله حاصل جمع جبری صفر را رها کرده و همان‌طوری که سرگئی کاراگانف – رئیس شورای سیاست خارجی و دفاعی روسیه – می‌گوید، دست‌یازی به منافع اقتصادی را خط کلی حاکم و راهنمای سیاست خارجی خود قرار داده است.^(۳۵) استفاده از اهرم اقتصاد برای رسیدن به جایگاه قدرت جهانی را می‌توان در بیان مدودف – رئیس‌جمهور سابق – روسیه دید. وی در همین چهارچوب اعلام کرد: «در جهان کنونی نمی‌توان به‌سادگی

صادرات مواد خام را اقتصاد نامید. این موضوع رشد چشمگیر و پایدار و رفاه ملی را تضمین نمی‌کند. روسیه به اقتصاد جدیدی نیاز دارد. اقتصادی هوشمند بر اساس برتری اندیشه و تولید دانش‌های منحصربه‌فرد در راستای بهبود زندگی مردم و افزایش سطح و کیفیت زندگی مردم از طریق فناوری‌های جدید. ما نمی‌توانیم بر اساس چنین اقتصادی روسیه کنونی را قدرت جهانی بدانیم.^(۳۶)

در این راستا، ادغام در اقتصاد جهانی از اهداف عمده دولت روسیه شده است که جذب سرمایه‌های خارجی، تکنولوژی پیشرفته، تقویت مناسبات تجاری - اقتصادی با کشورهای غربی و عضویت در سازمان‌های اقتصادی جهانی همانند عضویت روسیه در گروه - ۸ از وجوه شاخص این رویکرد است، ولی آنچه در این بین دارای اهمیت حیاتی برای روسیه است، سهم اصلی امریکا و اتحادیه اروپا در روابط و سرمایه‌گذاری در اقتصاد روسیه است. سرگئی لاوروف - وزیر امور خارجه روسیه - در نهم ژوئن ۲۰۰۴ اعلام کرد، ایالات متحده بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار در اقتصاد فدراسیون روسیه است. وی گفت: «بی‌تردید سهم سرمایه‌گذاری ایالات متحده امریکا در روسیه در حجم کل سرمایه‌گذاری خارجی این کشور ناچیز است؛ با این حال، این کشور از لحاظ حجم سرمایه‌گذاری در اقتصاد روسیه دارای مقام اول است».^(۳۷)

جدول شماره ۲. تجارت ایالات متحده با روسیه (میلیارد دلار)

۲۰۰۹	۲۰۰۸	۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۵	۲۰۰۴	۲۰۰۳	۲۰۰۲	۲۰۰۱	۲۰۰۰	۱۹۹۹	
۵/۴	۹/۳	۷/۴	۴/۷	۳/۹	۳/۰	۲/۴	۲/۴	۲/۷	۲/۱	۲/۱	صادرات
۱۸/۲	۲۶/۸	۱۹/۳	۱۹/۸	۱۵/۳	۱۲/۶	۸/۶	۶/۸	۶/۳	۷/۸	۵/۹	واردات
-۱۲/۸	-۱۷/۴	-۱۱/۹	-۱۵/۱	-۱۱/۳	-۸/۹	-۶/۲	-۴/۴	-۳/۵	-۵/۶	-۳/۹	تراز تجاری

منبع: وزارت بازرگانی امریکا، بخش تجارت بین‌الملل (۲۰۱۰) (www.commerce.gov)

اروپا دیگر شریک راهبردی روسیه در تلاش‌های برتری طلبانه اقتصادی است که با فراز و فرود کمتری نسبت به شریک امریکایی به همکاری‌های تجاری مبادرت ورزیده‌اند. مسکو ترجیح می‌دهد با کشورهای عضو اتحادیه اروپا به صورت انفرادی و دوجانبه وارد تجارت شود تا به صورت گروهی.^(۳۸) برخی از کشورهای

اروپایی معتقدند توسعه‌طلبی روسیه را باید از راه مهار نرم،^۱ همچون اخراج روسیه از گروه ۸ - گسترش ناتو و عضویت گرجستان در آن، حمایت از رژیم‌های ضدروس در منطقه، ایجاد سپر موشکی و مخالفت با سرمایه‌گذاری روسیه در بخش انرژی محدود کرد.^(۳۹) ولی اعضای قدیمی‌تر خواستار تثبیت روابط اقتصادی پایدار و مشارکت راهبردی با روسیه هستند. اعضای جدیدتر اتحادیه اروپا به دلیل پیشینه تاریخی خود و نارضایتی از اقدام‌های روسیه (شوروی) در دوران جنگ سرد و همچنین، نزدیکی سیاست‌های این کشور با ایالات متحده مخالف همکاری و شراکت با روسیه بوده‌اند.^(۴۰)

در همین راستا، اتحادیه اروپا و روسیه در مه ۲۰۰۳ در نشست سن پترزبورگ موافقت کردند که همکاری‌های دوجانبه‌ای را در چهار حوزه اقتصادی مشترک تقویت کنند. هدف از تشکیل فضای اقتصادی مشترک ایجاد فضایی مناسب برای پیمان‌کاران اقتصادی و بازاری یکپارچه و واحد بین روسیه و اتحادیه اروپا، پیدایش فرصت‌های سرمایه‌گذاری جدید از راه هم‌گرایی اقتصادی، حذف موانع تجاری، ایجاد فضای مناسب کسب‌وکار و تجارت و نیز ایجاد زیرساخت‌های توسعه از راه همکاری نزدیک‌تر و تبادل اطلاعات است. در سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸ نیز روابط تجاری دو طرف سیر صعودی یافت. این روابط در سال ۲۰۰۶ حدود ۲۵/۷ درصد رشد داشته است. حجم کل روابط روسیه و اتحادیه در این سال بالغ بر ۲۰۹ میلیارد دلار بود. در این سال، روسیه سومین شریک تجاری اروپا بعد از آمریکا و چین محسوب می‌شد و اتحادیه اروپا نیز اولین شریک تجاری روسیه بود که ۵۴ درصد حجم کل تجارت این کشور را تشکیل می‌داد.^(۴۱)

رشد روابط تجاری میان اتحادیه اروپا و روسیه تا اواسط سال ۲۰۰۸ شتاب فراوانی گرفته بود، ولی در این سال به دلیل بروز بحران اقتصادی با وقفه روبه‌رو شد. اتحادیه اروپا مهم‌ترین شریک تجاری روسیه است و در حدود ۵۲/۳ درصد از گردش مالی این کشور را تشکیل می‌دهد. همچنین، این اتحادیه مهم‌ترین نهاد سرمایه‌گذار در روسیه است. برآوردها نشان می‌دهد که ۷۵ درصد از سرمایه‌گذاری‌های خارجی مستقیم در روسیه به‌وسیله کشورهای عضو اتحادیه

اروپا صورت می‌گیرد. میزان صادرات کالا از اتحادیه اروپا به روسیه در سال ۲۰۰۹، حدود ۶۵/۶ میلیارد یورو بوده است. این در حالی است که صادرات روسیه به اتحادیه اروپا ۱۵ میلیارد یورو است. بیشتر واردات اتحادیه اروپا از روسیه به بخش انرژی و فراورده‌های سوختی مربوط می‌شود. مواد معدنی و مواد خام ۷۷/۳ درصد واردات اتحادیه آن را تشکیل می‌دهد. صادرات صنعتی اتحادیه اروپا به روسیه نیز متنوع است. ماشین آلات و تجهیزات حمل و نقل ۴۲/۹ درصد محصولات غذایی و دام زنده نیز مهم‌ترین اقلام صادراتی به روسیه است. همچنین، صادرات خدمات اتحادیه اروپا به روسیه در سال ۲۰۰۹ در حدود ۱۸/۲ میلیارد یورو و واردات خدمات آن از روسیه نیز ۱۰/۸ میلیارد یورو بود، ولی سرمایه‌گذاری مستقیم اتحادیه اروپا در کشورهای عضو اتحادیه اروپا ۲ میلیارد یورو بوده است.^(۴۲)

با توجه به تفکیک‌ناپذیر بودن مسائل سیاسی و اقتصادی، کنش‌های سیاسی و نظامی قدرت‌های بزرگ نیز فارغ از نگاه‌های اقتصادی نخواهد بود. گسترش ناتو به شرق با کنار گذاشتن روسیه منجر به این شد که مشتریان شوروی سیستم‌های تسلیحاتی اروپا و آمریکا را برای رسیدن به ضرورت‌های استانداردسازی غرب انتخاب کنند. این گسترش با تثبیت بازارهای تسلیحاتی یورو - آتلانتیک پیرامون اتحادیه‌های بزرگ فراملی و آزادسازی داخلی منطبق شده است؛ یعنی، روندهایی که روسیه از آن مستثنی بوده و از بابت آن زیان دیده است. برای مثال، اسرائیل و نه روسیه هواپیماهای میگ ۲۱ رومانی را برای سازگاری با استانداردهای ناتو بهسازی کرد. با این حال، در نتیجه بهبود روابط روسیه و ناتو مسکو توانست هواپیماهای میگ ۲۹ اسلواکی را برای رسیدن به استانداردهای ناتو ارتقا بخشد. چنین فرصت‌هایی می‌توانند سودمند درآمد برای روسیه محسوب شوند.^(۴۳)

پ) کنترل تسلیحات

روسیه با توجه به فشارهای ساختاری سیاست‌های کنترل تسلیحاتی غرب و لزوم همراهی با توافقات چندجانبه با آمریکا و اروپا به منظور کسب سهم از مدیریت فرایند مذکور و تأمین امنیت خود نگاه بلندمدتی نسبت به این گونه ترتیبات دارد. دکتترین نظامی ۱۹۹۳ روسیه بر این امر تأکید دارد که قدرت هسته‌ای کشور برای

بازداشتن تجاوز به روسیه و متحدان آن است، ولی در توافقات با امریکا و دیگر قدرتهای هسته‌ای روسیه آماده است تا زرادخانه هسته‌ای خود را به کمترین میزانی برساند که برای حفظ ثبات استراتژیک لازم است. بر اساس این دکترین، روسیه در مقابل استفاده دیگران از تسلیحات هسته‌ای یا دیگر سلاح‌های کشتار جمعی علیه خود یا متحدانش و نیز در مقابل تجاوزات گسترده، استفاده از سلاح‌های هسته‌ای را برای خود محفوظ می‌داند. در این دکترین، اشاره شده بود که فدراسیون روسیه نباید علیه دولت‌های عضو NPT^۱ که فاقد سلاح‌های هسته‌ای هستند از سلاح‌های هسته‌ای استفاده کند. مگر در صورتی که آنان به نیروهای مسلح و قوای دیگر این کشور و نیز به آن دسته از متحدانش حمله کنند که در قبال آنان تعهد امنیتی دارد.^(۴۴)

بر اساس دکترین ۱۹۹۷، روسیه به ترتیب اولویت به ایجاد و توسعه مشارکت سازنده با کشورهای امریکا، اتحادیه اروپا، چین، ژاپن و هند می‌پردازد. همچنین، این سند خواهان ایجاد یک سیستم اروپایی و آتلانتیک امنیت بود که سازمان امنیت و همکاری اروپا را به ابقای یک نقش هماهنگ‌کننده در آن فرا می‌خواند، ولی در این سند برخلاف دکترین نظامی روسیه در سال ۱۹۹۳ نقش ویژه‌ای برای روسیه به منزله ضامن صلح و امنیت در نظر گرفته شده بود. آنچه در این سند حائز اهمیت بود این است که روسیه در سند موردنظر اعلام کرد که دیگر تلاش نخواهد کرد در تسلیحات و نیروهای مسلح با قدرتهای بزرگ به برابری برسد و سعی خواهد کرد تا اصول واقع‌بینانه بازدارندگی را برای استفاده از قدرت کافی موجود و جهت ممانعت از اقدام تجاوزکارانه به اجرا گذارد.^(۴۵)

حفظ رژیم منع گسترش به روس‌ها نقش منحصربه‌فردی را در نظام بین‌الملل می‌دهد. در جهت احترام به این سازوکار چندجانبه جهانی، خلع سلاح و نابودی سلاح‌های هسته‌ای به‌جامانده از شوروی سابق در کشورهای تازه‌استقلال‌یافته در دهه ۱۹۹۰ از موارد فعالیت این کشور در زمینه کنترل تسلیحات محسوب می‌شود. مسکو منافع خود را در جلوگیری از اشاعه بیشتر^۲ سلاح‌ها و قابلیت‌های هسته‌ای

1. Nuclear Non-Proliferation Treaty
2. No further proliferation

اعلام کرده است. به طوری که ولادیمیر پوتین در نطق خود در ۲۱ سپتامبر ۲۰۰۱ اعلام کرد صریحاً گسترش باشگاه دولت‌های هسته‌ای را رد می‌کند.^(۴۶) این سیاست‌ها در راستای حفظ وضعیت روسیه به عنوان دومین قدرت هسته‌ای جهان ارزیابی می‌شود. برای این کشور به عنوان یک قدرت هسته‌ای رژیم کنترل تسلیحات بیشتر از جنبه مشکلات داخلی ناشی از حفظ امنیت تجهیزات و تسلیحات در اولویت قرار داد. این به آن مفهوم است که دغدغه گسترش سلاح‌های جمعی به عنوان یک مسئله جهانی در اولویت بعدی سیاست خارجی روسیه قرار دارد.

در حال حاضر، اختلافات میان روسیه و آمریکا مانع از هرگونه توافق جامع و جدی آنها در خصوص کنترل تسلیحات راهبردی شده است. نخستین دلیلی که برای عدم دستیابی دو طرف به توافقی جامع وجود دارد را باید در مسائل امنیتی - راهبردی در میان آمریکا و روسیه جست‌وجو کرد. بر این اساس روسیه قصد دارد مسائل کاهش تسلیحات تهاجمی راهبردی را با مسئله استقرار سیستم دفاع ضد موشکی آمریکا در شرق اروپا مرتبط سازد و به تبع، چنین امری مورد قبول واشنگتن قرار نخواهد گرفت.^(۴۷) بر این اساس، با توجه به برتری روس‌ها در تعداد کلاهک‌های هسته‌ای آماده پرتاب و غیرفعال نسبت به امریکایی‌ها، واشنگتن سعی دارد مذاکرات را به سمت کاهش تسلیحات هسته‌ای سوق دهد. از سوی دیگر، با توجه به برتری امریکایی‌ها در تسلیحات متعارف نسبت به روس‌ها، مقامات کرملین قصد دارند مذاکرات را به حوزه تسلیحات متعارف بکشانند. در این بین، پنهان‌کاری طرفین در خصوص اعلام دقیق میزان تسلیحات نیز یکی دیگر از چالش‌های پیشبرد مذاکرات محسوب می‌شود.^(۴۸) چنان‌که مسئله محدودیت کلاهک‌های موجود در انبارهای آمریکا که به عقیده طرف روسی باید در محاسبات کاهش به حساب آورده شود، با مخالفت امریکایی‌ها مواجه شده است. در واقع، امریکایی‌ها قصد دارند تنها کلاهک‌های هسته‌ای و موشک‌های حامل استقرار یافته را شامل توافقات جدید بدانند و روس‌ها تمایل دارند که پیمان جدید، تمام تسلیحات راهبردی را در بر گیرد.^(۴۹)

ت) سپر دفاع موشکی

در سال‌های ۱۹۹۷ و ۲۰۰۱ گروهی که برنامه‌های دفاعی امریکا را تنظیم و طراحی می‌کردند، بر ضرورت اقدامات تهاجمی‌تر تأکید داشتند و از سوی دیگر درصدد برآمدند تا شکل‌بندی‌های قدرت دفاعی و امنیتی خود را برای مقابله با تهدیدات نامتقارن تدوین کنند؛ به این ترتیب، موضوع «چتر دفاع موشکی» امریکا در اواخر دهه ۱۹۹۰ برای مقابله با تهدیدات نامتقارن از سوی کشورهایی همانند ایران و نیز برای بازدارندگی مؤثر در برابر قدرت استراتژیک ایالات متحده طراحی شد.^(۵۰) انتقال فناوری موشکی به کشورهای مختلف آنان را قادر ساخته است تا بتوانند در حوزه‌های منطقه‌ای به قدرت بازدارنده برسند. آنان از این طریق توانستند به مطلوبیت‌هایی در جهت «جنگ نامتقارن» در برابر قدرت‌های بزرگ دست یابند. این امر برای منافع و مطلوبیت‌های امنیتی امریکا ممکن بود مخاطراتی را به وجود آورد.^(۵۱)

در این چهارچوب، امریکا درصدد ایجاد ده سامانه رهگیر موشکی در لهستان و یک ایستگاه پیشرفته رادار در جمهوری چک است تا اروپا را در مقابل موشک‌های بالستیک دوربرد محافظت کند. قرار است این سیستم دفاع موشکی تا سال ۲۰۱۳ به بهره‌برداری برسد. بر اساس بیانیه پایانی اجلاس بخارست کشورهای عضو ناتو از طرح امریکا برای استقرار یک سیستم دفاع موشکی در اروپا حمایت کردند. رسانه‌های خبری حتی این مسئله را دستاورد بزرگ بوش در آخرین سال ریاست‌جمهوری او ذکر کردند؛ زیرا در این بیانیه از استقرار پایگاه‌های دفاع موشکی در جمهوری چک و لهستان حمایت شده است.^(۵۲) امریکا استقرار سیستم دفاع موشکی را در حالی به عنوان یک استراتژی تدافعی پیگیری می‌کند که هم‌زمان به تولید و تقویت بخش گوناگونی از تسلیحات متعارف مدرن با توانایی‌های بالا می‌پردازد. این همان چیزی است که دریافت کشورها از دفاع موشکی امریکا را از حالت صرفاً تدافعی خارج می‌سازد و برداشت تهدید ناامنی و بی‌ثباتی را پررنگ می‌کند.^(۵۳)

روسیه با انتقاد از صف‌آرایی زمان‌بندی‌شده سیستم‌های دفاعی در لهستان و جمهوری چک، آنها را به عنوان تهدیدی غیرقابل قبول برای خود تلقی کرد و

هشدار داد روسیه مشابه این عمل را در کوبا یا دیگر کشورهای مخالف امریکا انجام خواهد داد.^(۵۴) در واکنش به تلاش‌های امریکا برای اجرای طرح دفاع موشکی، روسیه ابتدا در یک آزمایش نظامی سه فروند موشک راهبردی خود را آزمایش کرد تا به این ترتیب عزم خود را برای مقابله با تلاش‌های امریکا به منظور احراز برتری نظامی در جهان از طریق استقرار سیستم دفاع ضد موشکی نشان دهد. کرملین هدف اصلی امریکا را از اجرای این طرح، خنثی‌سازی قدرت بازدارندگی نظامی روسیه می‌داند و معتقد است استقرار سامانه دفاع موشکی امریکا در اروپای شرقی ایجاد مرزبندی بین اروپا و روسیه و ادامه سیاست‌های خصمانه نسبت به مسکو است.^(۵۵) روس‌ها سامانه پدافند موشکی در اروپای خاوری از سوی امریکا را مرزبندی میان اروپا و روسیه دانسته و آن را سرپوش گذاشتن بر خواست واقعی امریکا و یک‌جانبه‌گرایی آن می‌دانند. همچنین، روسیه ملاحظات جدی در مورد استمرار برنامه سیستم دفاعی موشکی امریکا در اروپا دارد و این برنامه می‌تواند تمام موشک‌های بالستیک قاره‌پیمای پایگاه‌های روسیه در غرب نواحی اورال مرز در میان اروپا - آسیا را به حالت آماده‌باش درآورد.^(۵۶)

از نگاه مسکو، دلیل واقعی استقرار سامانه سپر دفاع موشکی ناتو در مجاورت مرزهای روسیه، کنترل و تسلط بر سیستم‌های موشکی روسیه و ایجاد دیوار جدید برلین است. روس‌ها هنگامی که پی بردند با اعمال تهدید و فشار بر لهستان و جمهوری چک قادر به انصراف امریکایی‌ها از استقرار این سامانه نیستند، دست به ابتکار جدیدی زدند و استفاده مشترک از پایگاه راداری «قبله» آذربایجان را به امریکایی‌ها پیشنهاد دادند.^(۵۷) دولت آذربایجان این ایستگاه را در سال ۱۹۹۱ تا سال ۲۰۱۲ میلادی به روسیه اجاره داده است، ولی سیستم دوربین‌های آن طوری طراحی شده که فاقد قدرت لازم برای زیر نظر گرفتن پشت کوه‌های اورال یعنی داخل مرزهای روسیه است.^(۵۸)

با کلیدخوردن «راهبرد تغییر» اوباما از ۲۰۰۹ روابط دو کشور تاحدی بهبود یافت. اوباما در راستای عملیاتی کردن این راهبرد در نیمه دوم تیرماه ۱۳۸۸ به مسکو سفر کرد و در آنجا بود که نوید برچیده شدن بخشی از این سامانه در اروپای شرقی را در ازای همکاری روسیه بر سر مسئله هسته‌ای ایران ارائه داد. در واقع، دو

تحول مهم زمینه‌ساز اتخاذ این تصمیم بوده است: نخست، تمایل اوپاما برای نشان دادن اینکه در عمل خواهان ایجاد تغییر در سیاست خارجی امریکا در قبال روسیه است و دوم، بهره‌مندی از همکاری روسیه برای وارد آوردن فشار بیشتر به ایران. در ملاقات اوپاما با مدودف در تیرماه گذشته برای امریکا کاملاً آشکار شد که مسئله سپر دفاع موشکی موضوعی نیست که روسیه از آن کوتاه بیاید؛ به‌ویژه آنکه هم‌زمان مسکو موشک‌های اسکندر خود را برای استقرار در کالینینگراد آماده کرده بود تا نشان دهد درباره تهدید علیه منافع ملی و امنیت ملی خود حاضر به معامله نیست.^(۵۹)

در اجلاس سران ناتو در لیسبون در سال ۲۰۱۰ که با حضور مدودف برگزار شد، موضوع طرح جدید استقرار سامانه ضد موشکی در ترکیه مطرح و با جلب همکاری روسیه تلاش شد نگرانی‌های روسیه تاندازه‌ای برطرف شود. با این حال و هرچند که روسیه تمایل خود را برای مشارکت در این طرح اعلام کرده است، ولی ابهامات زیادی در مورد نحوه و میزان مشارکت روسیه وجود دارد. مذاکرات انجام‌شده در سال ۲۰۱۱ در ارتباط با سپر دفاع موشکی اختلافات را حل و فصل نکرده است و با استقرار این موشک‌ها در ترکیه تهدیدات موشکی به مسکو نزدیک‌تر و حلقه فشارهای نظامی تنگ‌تر شده است. به نظر می‌رسد با توجه به هزینه سرسام‌آور جنگ روسیه و امریکا در خارج نزدیک روسیه، مذاکره تنها راه حل است.

درواقع، کسب سهم مشارکت در معماری امنیت دو محیط ژئواستراتژیکی خارج نزدیک و اروپا برای روسیه بسیار مهم است. روسیه نقش و جایگاه همکاری درباره تسلیحات و موشک‌های هسته‌ای با اروپا را بسیار مهم ارزیابی می‌کند.^(۶۰) این قبیل مواضع، ریشه در باور مقامات امریکایی به این نکته دارد که روس‌ها با عنایت به روابط نظامی، سیاسی و اقتصادی خود با ایران، واجد اهرم‌های فشار مؤثری بر تهران هستند که تا به حال و در پاسخ به درخواست‌های امریکا، نه تنها از آنها استفاده نکرده‌اند، بلکه برعکس، از آن برای امتیازگیری از امریکا و کشورهای اروپایی سود برده و در نهایت مانع از شکل‌گیری اجماع لازم در برابر جمهوری اسلامی ایران شده‌اند.^(۶۱) ولی لغو قرارداد فروش اس ۳۰۰ به ایران، چراغ سبزی

است از طرف مسکو به مقامات کاخ سفید که این کشور علاوه بر پیگیری اندیشه توازن قدرت در مرزهای جنوبی، قادر است بر سر پرونده هسته‌ای ایران در چهارچوب معادله «برگ نظامی در برابر برگ نظامی» (عدم گسترش سپر دفاع موشکی در برابر لغو قراردادهای نظامی با ایران) دست به معامله با امریکا بزند.

ث) روسیه، تحولات خاورمیانه عربی و سوریه

از آنجاکه وزن متغیر سیاست در کانون تحولات استراتژیک خاورمیانه از وزن متغیر اقتصاد بیشتر است، ناآرامی‌های سوریه با توجه به جایگاه ژئوپلیتیکی خاصی که دمشق از آن برخوردار است، رقابت قدرت‌های بزرگ را با پیچیدگی خاصی روبه‌رو ساخته است. وجود پایگاه دریایی طرطوس که تنها پایگاه ذخیره ناوگان روسیه در منطقه دریای مدیترانه است و همچنین، منافع اقتصادی و تسلیحاتی مسکو در سوریه، ضمن مقاومت روسیه و چین در برابر حمله احتمالی ناتو به رژیم اسد، سطح خشونت‌ها را به دلیل موازنه نسبی قدرت مخالفان اسد با دولت مرکزی بالا برده است. انتقال بحران سوریه از فاز حمله نظامی به فرایندهای مذاکره‌پذیر و سیاسی همچون آنچه در طرح عنان، اخضر ابراهیمی و ورود نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل با استفاده از قطعنامه ۲۰۴۲ شورای امنیت به عنوان نهادی چندجانبه‌گرا، نقطه مطلوب در زمان‌مند کردن فروپاشی ناگهانی رژیم اسد و در مرحله بعد توقف فرسایش تدریجی دولت دمشق در سیاست مدیریت بحران سوری مقامات کرم‌لین بوده است. سرگئی لاوروف - وزیر امور خارجه روسیه - ضمن رد انتقال قدرت در سوریه یا حمله دولت‌های فرامنطقه‌ای به دمشق به‌صراحت اعلام کرد که «کشورش از مسئله لیبی درس لازم را گرفته و اجازه نخواهد داد قطعنامه‌های شورای امنیت برای نیل به اهداف سیاسی برخی کشورها مورد سوءاستفاده قرار گیرد».^(۲۲)

روسیه و چین در صورتی که قطعنامه ضدسوری در شورای امنیت را بپذیرند یا با امریکا برای حمله نظامی به سوریه هم‌پیمان شوند، بیش از هرچیز باید گسترش قدرت و منافع این کشور را پذیرفته باشند. در واقع، چین در این نگرانی با روسیه مشترک است که دیگر نمی‌توان به امریکا به عنوان یک ابرقدرت با دغدغه خیر

عمومی نگرینست و افزایش قدرت این کشور را به‌مثابه یک تهدید تلقی نکرد.^(۶۳) در مجموع، فشارهای فراآتلانتیکی قدرت‌های غربی و ظهور قدرت ترکیه به عنوان قدرت متمایل به ایفای نقش مکمل برای غرب، وضعیت روسیه را برای مدیریت تنها سنگر باقی‌مانده در دمشق در برابر امریکا و متحدان عرب و ترک منطقه‌ای دشوارتر کرده است. با به‌بن‌بست رسیدن طرح حذف اسد از حکومت در سوریه در شورای امنیت، غرب طرح حذف اسد از طریق فرایندهای افزایش فشارهای منطقه‌ای و یکپارچه‌تر کردن مخالفان داخلی سوریه برای افزایش سطح خشونت‌ها در این کشور را در قالب کنفرانس‌های ترکیه و قطر در سال ۲۰۱۲ دنبال می‌کند.

۵. الگوی سیاست خارجی روسیه در قبال پرونده هسته‌ای ایران

در حال حاضر، در نزد نخبگان جمهوری اسلامی ایران با وجود دو نگاه متفاوت نسبت به امریکا اجماعی اساسی بر سر تهدید امریکا برای امنیت ملی کشور وجود دارد. امریکا تهدید اصلی برای بقای نظام سیاسی و ایدئولوژی انقلاب بوده و سایر تهدیدات نیز در ارتباط با آن معنا پیدا می‌کنند. برای روسیه امریکا بیشتر به عنوان یک رقیب مطرح است و به جای خصومت و دشمنی، ترکیبی از رقابت و همکاری در جریان است.^(۶۴) به علاوه اینکه، نگرانی مسکو از افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران و قدرت‌نمایی آن در زیر لوای سلاح اتمی است؛ بنابراین، روس‌ها ایران اتمی را برای خود خطری جدی تلقی می‌کنند.^(۶۵) اعلام فعالیت‌های هسته‌ای ایران در تأسیسات فوردو موجب نوعی بدبینی و تردید در میان روس‌ها نسبت به ایران شد؛ زیرا از نگاه روس‌ها، ایران هسته‌ای طبیعتاً خطر تلقی می‌شود و این موضوعی است که بارها از جانب آنها تکرار شده است.

منافع پرونده هسته‌ای ایران در ابعاد سیاسی و اقتصادی برای روسیه ریشه‌های مقاومت لفظی روس‌ها را به منظور امتیازگیری از طرف ایرانی و ادامه‌دار شدن وضعیت گفت‌وگو و مذاکره سبب‌ساز شده است، درحالی‌که برای جمهوری اسلامی ایران موضوع ساخت و تکمیل پروژه نیروگاه بوشهر از پرونده هسته‌ای جدا تلقی نمی‌شود. روسیه در این خصوص و به‌ویژه تکمیل و راه‌اندازی نیروگاه مذکور تعلل

می‌ورزد.^(۳۶) روس‌ها این تعلل را عمدتاً ناشی از فشارهای امریکا از خود بروز داده‌اند، اگرچه بعضی از مقامات روس معتقدند دلیل مخالفت امریکا با برنامه اتمی ایران صرفاً بیرون راندن روسیه از بازار هسته‌ای ایران است؛ زیرا قبلاً امریکا توافق‌نامه‌های روسیه و کره شمالی را به همین بهانه بر هم زده است.^(۳۷) نگرانی روسیه از برهم خوردن موازنه هسته‌ای در مرزهای جنوبی خود دلیل بازدارنده مهم دیگری است که از نزدیکی بیشتر روس‌ها به مواضع هسته‌ای ایران جلوگیری به عمل می‌آورد.^(۳۸) باین‌حال، ولادیمیر پوتین - نخست وزیر سابق و رئیس‌جمهور جدید - ضمن تأکید بر اهمیت زیاد ایران برای روسیه اعلام کرد: «دو کشور می‌توانند نه تنها در روابط دوجانبه، بلکه در زمینه مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی بحث و گفت‌وگو کنند. ایران نقش بسیار مهمی در آسیای مرکزی و خاورمیانه دارد. همکاری هسته‌ای با ایران مشروط به همکاری ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است.»^(۳۹)

در خصوص رفتار سیاست خارجی روسیه در پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، چهار موضع‌گیری رسمی به شرح زیر را می‌توان دسته‌بندی کرد:

۱. **ادامه گفت‌وگوها از مجاری نهادی و چندجانبه:** اجلاس شورای حکام، میز مذاکرات چندجانبه با طرف‌های ایرانی، روسی، امریکایی و اروپایی (۵+۱) و در مرحله نهایی شورای امنیت فرایند چندجانبه‌ای است که گزینه مطلوب سیاست هسته‌ای روسیه در پرونده هسته‌ای ایران است. حمایت از مذاکرات ایران و اتحادیه اروپا و امریکا از مواضع اصولی روسیه در قبال بحران هسته‌ای ایران بود.^(۴۰) اجلاس استانبول ترکیه، بغداد و مسکو در سال ۲۰۱۲ نیز بخشی از راه‌حل مطلوب روسیه در حل پرونده هسته‌ای ایران بوده که با توجه به تحریم‌های امریکا و اروپا با شکست مواجه شده است.

۲. **بیان خطوط قرمز امنیتی:** در ارتباط با پرونده هسته‌ای ایران، آنچه مهم‌ترین خط قرمز امنیتی روسیه در این پرونده است، حفظ موازنه هسته‌ای در مرزهای جنوبی است. پوتین دغدغه‌های امنیتی روسیه را این گونه اعلام کرده است: «ما نه تنها با گسترش و انتقال تسلیحات هسته‌ای به ایران، بلکه به مناطق دیگر نیز مخالف هستیم. دیدگاه روسیه و امریکا در این زمینه نزدیک‌تر از آنچه است که به

نظر می‌رسد.^(۳۱) «روسیه به شدت با افزایش اعضای کلوپ قدرت‌های هسته‌ای از جمله ایران مخالف است... ما ضمن گفت‌وگو با مقامات ایرانی به دنبال این هستیم که ضمانت‌های لازم را از ایران بگیریم».^(۳۲) دومینوی هسته‌ای در خاورمیانه و شکسته شدن انحصار هسته‌ای روسیه و اعضای کنونی کلوپ هسته‌ای در داشتن سلاح هسته‌ای می‌تواند موازنه هسته‌ای را در مرزهای جنوبی روسیه و در سطح کلان‌تر در سطح جهانی به ضرر اعضای شورای امنیت دچار چالش اساسی کند.

۳. جلوگیری از یک‌جانبه‌گرایی امریکا و محور یورو - آتلانتیک: به اعتقاد

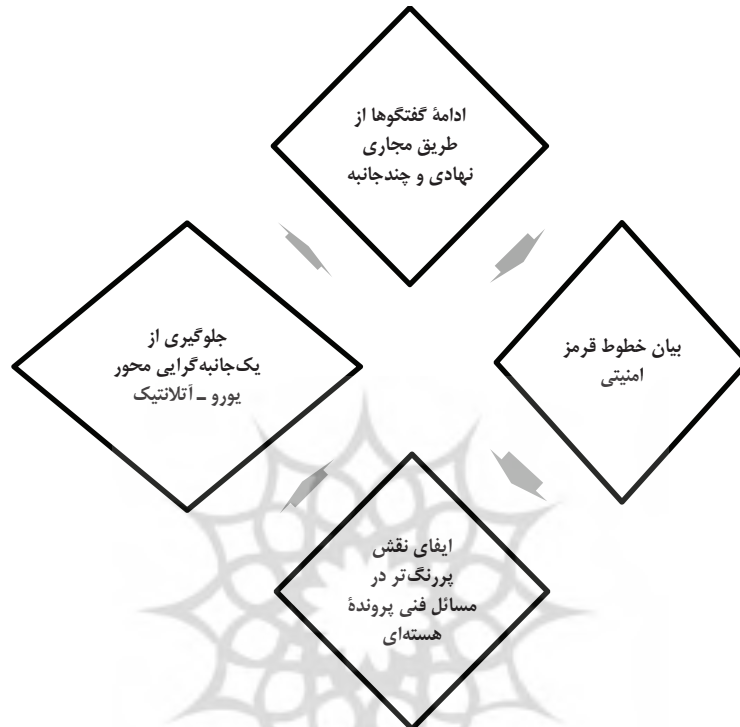
مقامات کرملین، مقاومت در برابر تحریم‌های یک‌جانبه علیه ایران از جمله تحریم‌های امریکا و اروپا پس از گزارش امانو در اواخر سال ۲۰۱۱، ضمن رساندن این پیام به ائتلاف ناتو مبنی بر نادیده انگاشته شدن روسیه در فرایند چندجانبه‌گراییانه حل بحران برنامه اتمی ایران، فرصت را برای از سرگیری مذاکرات افزایش می‌دهد. در واقع، از دید مقامات مسکو، باز کردن فضای تنفس برای ایران زمینه‌ساز گفت‌وگوهای چندجانبه بعدی است. البته حفظ منافع سیاسی و اقتصادی ۳ تا ۴ میلیارد دلاری در سال با ایران در تعامل بدون تحریم نیز مؤلفه انگیزشی دیگری است که گزینه تحریم‌های یک‌جانبه را برای روسیه کم‌رنگ می‌سازد،^(۳۳) ولی حرکت امریکا و اروپا از گزینه تحریم‌های هوشمند به سمت گزینه تحریم‌های گسترده پولی، مالی و نفتی آن هم بدون جلب رضایت سایر اعضای شورای امنیت (چین و روسیه) به راهبرد چندجانبه‌گرایی محدود روسیه فشارهای انقباضی بیشتری را وارد کرده است.

۴. ایفای نقش پررنگ‌تر در مسائل فنی پرونده هسته‌ای ایران: انتقال سوخت

هسته‌ای به ایران و وابستگی تهران به مهم‌ترین اهرم آغاز به کار نیروگاه بوشهر ضمن تسلط بیشتر روس‌ها بر سازوکار غنی‌سازی و گردش انرژی در نیروگاه، عرصه گسترده‌ای از امتیازگیری فنی و سیاسی را از دو طرف دیگر بازیگر در پرونده حاضر برای روس‌ها فراهم می‌آورد. روسیه و چین هر دو اعلام دستیابی ایران را به خودکفایی در تولید سوخت هسته‌ای و غنی‌سازی اورانیوم مورد انتقاد قرار دادند و از تهران خواستند هرچه سریع‌تر نسبت به اثبات صلاح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای خود اقدام کند. این موضع‌گیری‌ها به اظهارات دو کشور مبنی بر «ناگزیر بودن تحریم‌ها

علیه ایران در شرایط خاص» اشاره دارد. (۴)

شکل شماره ۳. لوزی مواضع روسیه در پرونده هسته‌ای ایران



با توجه به آنارشیسم بودن نظام بین‌الملل و تلاش روسیه برای رسیدن به جایگاه قدرت جهانی و رویکرد چندجانبه‌گرایی محدود به منظور کاهش اصطکاک با سایر قدرت‌ها، احتیاط سیاسی در دستورکار مقامات کرملین قرار گرفته است. در یک مقایسه تطبیقی بین شکل‌های شماره ۲ و ۳ نوعی هم‌پوشانی میان متغیرهای راهبردی در پیگیری اهداف سیاست خارجی روسیه متأثر از مبانی رفتار ترسیم‌شده و الگوی مواضع روسیه در پرونده هسته‌ای وجود دارد. نقطه اشتراک دیگر هر دو الگو، حذف درگیری نظامی و کنترل تنش‌های سیاسی در برابر غرب است.

در روابط روسیه و غرب، بدبینی‌ها و انگیزه‌های همکاری به طور تلفیقی از بحران‌ها و جنگ‌های عمدتاً لفظی در ارتباط با مسائل و بحران‌های جهانی همواره مطرح بوده است. پرونده هسته‌ای ایران نیز فارغ از این کش و قوس‌ها نبوده است. دیدگاه کلان سیاست خارجی روسیه در چهارچوب حفظ «ثبات استراتژیک» و بر

پایه رویکرد عدم درگیری با غرب بر سر ایران استوار شده است. در این رویکرد، ثبات استراتژیک بر رقابت استراتژیک برتری می‌یابد. از نگاه غرب و روسیه، بهانه و ادعای «دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای» می‌تواند همسایگان ایران و سایر کشورهای منطقه را به پیمودن راهی مشابه ترغیب کند.^(۷۵) تلاش کشورهای منطقه برای برخورداری از سلاح هسته‌ای می‌تواند به جای حرکت در مسیر منطقه‌ای عاری از تسلیحات هسته‌ای آن را به منطقه‌ای ناامن و برخوردار از زرادخانه‌های هسته‌ای تبدیل کند و موجب بروز مسابقه تسلیحاتی شود.^(۷۶) علاوه بر خطر احتمال تلاش سایر کشورها برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای، خطر دستیابی گروه‌های افراطی و تروریست به این تسلیحات تهدیدی مجزا و به مراتب خطرناک‌تر را به همراه دارد.^(۷۷)

در این چهارچوب، اوباما در آغاز ریاست‌جمهوری خود در آمریکا در ۲۰۰۹ طی نامه‌ای به همتای روسی خود اعلام کرد که واشنگتن آماده تجدیدنظر در موضوع استقرار سپر دفاع موشکی در اروپا در مقابل توقف همکاری روسیه با ایران در برنامه اتمی و صنایع موشکی است. هیلاری کلینتون نیز در نخستین سفر خارجی خود به عنوان وزیر امور خارجه آمریکا در سال ۲۰۰۹، موضوع استقرار یا برچیدن سپر دفاع موشکی ناتو و آمریکا در اروپا را به یکی از موارد دستورکار مذاکراتی در دیدار با لاوروف — وزیر امور خارجه روسیه — تبدیل کرد. ویلیام برنز — معاون وزارت خارجه آمریکا — در مصاحبه با یک خبرگزاری روسی گفته بود: «اگر مسکو به رفع تهدیدهای ایران و کره شمالی کمک کند، آمریکا ممکن است طرح‌های جنجال‌آفرین ایجاد یک سپر دفاعی در اروپا را عوض کند».^(۷۸)

در این چهارچوب، فوگ راسموسن — دبیر کل ناتو — به روسیه پیشنهاد همکاری در زمینه ساخت مشترک سامانه دفاع موشکی را داد. شواهد تغییر رفتار سیاست خارجی مسکو در قبال ایران با سخنانی که مدوودف ایراد کرد، قوت گرفت. او اعلام کرد: «گزینه احتمال افزایش تحریم‌ها علیه ایران، کماکان به قوت خود باقی بوده و حذف نشده است... تحریم‌ها در کل خیلی مؤثر نیستند، ولی گاهی گریزی از آنها نیست».^(۷۹) مواضعی از این دست در مقاطع دیگری نیز تکرار شد، چنان‌که مدتی بعد پوتین — نخست وزیر سابق روسیه — اعلام کرد: «خاورمیانه منطقه

خطرناکی است و ایران باید با در نظر گرفتن نگرانی‌های اسرائیل مسئولیت خود را نشان دهد.^(۸۰) نمونه دیگری از این نوع تعاملات مثبت امریکا و روسیه را در جنگ ۲۰۰۸ گرجستان می‌توان دید. پوتین در گرماگرم بحران قفقاز اعلام کرد: «اگر واشنگتن نتایج مناقشه اوت ۲۰۰۸ روسیه و گرجستان را بپذیرد، روسیه نیز در قبال ایران با آنان همکاری بیشتری خواهد داشت».^(۸۱)

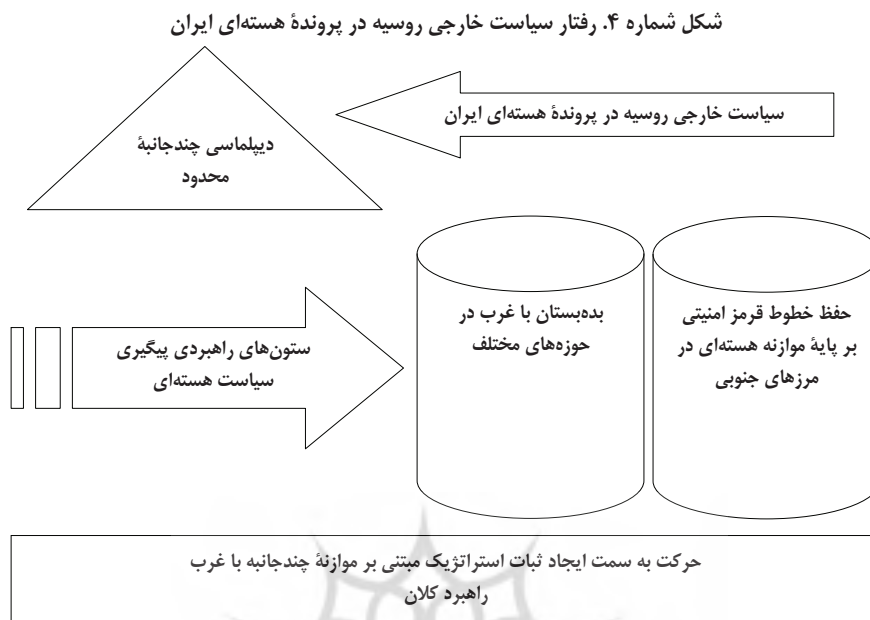
رأی مثبت روسیه به چهار قطعنامه تحریمی شورای امنیت علیه فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی را در چهارچوب همکاری و چندجانبه‌گرایی نهادمحور می‌توان تفسیر کرد. ماهیت چهار قطعنامه فوق عمدتاً به تحریم‌های نظامی، تسلیحاتی و کنترل مواد و تجهیزات هسته‌ای و کمتر اقتصادی مرتبط می‌شد و از تحریم‌های گسترده اقتصادی و نفتی به دلیل پافشاری روسیه مبنی بر بازگشت به فرایندهای برگشت‌پذیر احتمالی و ادامه‌دار شدن مذاکرات جلوگیری شده بود. در واقع، آن همان سیاست معروف به «چماق بزرگ» بود که در رسانه‌های داخلی و خارجی مورد توجه قرار گرفت. حفظ انسجام اعضای شورای امنیت در مواجهه با پرونده هسته‌ای ایران به منظور حفظ رژیم منع اشاعه، روسیه را به سمت همکاری با غرب سوق داده است. در ۹ ژوئن ۲۰۱۰، روسیه از قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل علیه برنامه هسته‌ای ایران حمایت کرد. ویتالی چورکین — نماینده روسیه در سازمان ملل — درباره علت رأی مثبت روسیه به این قطعنامه گفت: «این بدیهی است که اقدام‌های محدودکننده باید در جهت متوقف ساختن توسعه فعالیت‌های ایران که برخلاف اصول ان‌پی‌تی است، پذیرفته می‌شد».^(۸۲)

این همکاری به صورت محدود و نه همه‌جانبه است. طرح پیشنهادی مسکو به نام سیاست گام‌به‌گام به منظور بازگشت به فرایند چندجانبه‌گرایی و خارج شدن از وضعیت یک‌جانبه‌گرایی تحریم‌محور بلوک آتلانتیک تهیه و تنظیم شده بود، ولی با اعمال تحریم‌های گسترده علیه ایران و شرط تعلیق غنی‌سازی از طرف امریکا و اروپا برای رفع تحریم‌ها، این طرح با چالش اساسی مواجه شده است. موضع انعطاف‌پذیر روسیه نسبت به گزارش‌های رئیس سازمان انرژی اتمی علیه فعالیت‌های هسته‌ای و تهدید نظامی اسرائیل مبنی بر حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای و ترور دانشمندان هسته‌ای ایران فرضیه حمایت جدی مسکو از هسته‌ای

شدن ایران را بسیار تضعیف کرده است؛ بنابراین، سیاست خارجی روسیه در پرونده هسته‌ای ایران نه حمایت در جهت مقابله با غرب و نه رها کردن فعالیت‌های هسته‌ای این کشور است.

در نشست روسیه - آمریکا در اواخر ژوئیه ۲۰۰۹، سرگئی لاوروف و ویلیام برنز - معاون وزیر خارجه آمریکا - توافق‌نامه‌ای مبنی بر صدور جواز ۴۵۰۰ پرواز هوایی نیروهای ناتو و محموله‌های نظامی از خاک روسیه به افغانستان امضا کردند. بیش از ۱۰ هزار کانتینر که حدود ۳ درصد محموله‌های ناتو به افغانستان از راه شبکه مسیر شمالی را شامل می‌شود، از شبکه راه‌آهن روسیه حمل و نقل شده است.^(۸۳) در همین چهارچوب، اوپاما درباره موضوع عضویت کشورهای نزدیک به روسیه در ناتو گفت: «کشوری که بخواهد عضو ناتو شود، باید اکثر مردم آن رضایت داشته باشند و اصلاحات لازم داخل آن انجام شود تا بتواند در مأموریت‌های متحدان شرکت کند. اجازه دهید روشن بگویم که ناتو باید همکاری (نه رویارویی) با روسیه را دنبال کند».^(۸۴)

توافق در سایر حوزه‌ها می‌تواند مبنایی برای توافق بر سر پرونده هسته‌ای ایران باشد و علاوه بر تأمین منافع غرب در حوزه‌های چالش برانگیز، روند اعمال فشارهای بیشتر به ایران را تسریع کند. رابرت گیلنر - محقق مسائل سیاسی و مشاور سابق تونی بلر نخست وزیر سابق انگلستان - معتقد است رؤسای جمهور آمریکا اجتناب از جنگ با روسیه را حتی در ددمنشانه‌ترین وضع آن مورد توجه قرار می‌دهند. حتی اگر بوش موفق می‌شود گرجستان را به ناتو وارد کند و درصدد مقابله با سربازان روسیه در اوستیای جنوبی برآید، هیچ‌کس در ایالات متحده گرجستان را بر روسیه ترجیح نمی‌داد.^(۸۵)



نتیجه‌گیری

در چهارچوب ساختارهای جهانی حاکم بر روابط قدرت‌های بزرگ، مدیریت بحران‌های منطقه‌ای و جهانی بیش از همه از طریق فرایندهای سیاسی همکاری‌جویانه و تعامل‌گرایانه در قالب تعاملات چندجانبه امکان‌پذیر است. امریکا نیز ضرورت مشارکت روسیه در تحکیم ثبات استراتژیک جهان را باور دارد و در کنار اعمال فشار به روسیه در برخی موضوعات داخلی و بین‌المللی تمایلی به حذف روسیه از این صحنه ندارد.^(۸۶) الکساندر ورشبو – سفیر پیشین ایالات متحده امریکا در روسیه – در آخرین کنفرانس مطبوعاتی خویش در مسکو در تجزیه و تحلیل روابط روسیه و امریکا طی دوران سفارت خویش اعلام داشت: «ما علاقه‌ای به یک روسیه ضعیف نداریم و روسیه ضعیف برای امریکا یک کابوس است. ما به روسیه به عنوان شریکی قدرتمند در مبارزه با تروریسم گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و جرائم سازمان‌یافته نیازمندیم.»^{(۸۷)(۸۸)}

حرکت نقطه‌به‌نقطه روسیه و سایر اعضای شورای امنیت با توجه به وزن اثرگذاری هریک از آنها، ترسیم‌کننده فضایی است که افق آن را مجموعه‌ای از

گزینه‌های حمله نظامی، تحریم‌های شدیدتر و ادامه گفت‌وگوها تشکیل می‌دهد. روسیه در قالب استراتژی چندجانبه‌گرایی محدود، ضمن رد تحریم‌های صورت گرفته خارج از شورای امنیت به وسیله اروپا و امریکا، سیاست «گام‌به‌گام» را برای ادامه‌دار کردن روند مذاکرات و خارج شدن فضای تعاملات از بن‌بست تحریم - تهدید مطرح کرده است. در این طرح، فرایند عقب‌نشینی گام‌به‌گام در قالب «عمل در ازای عمل» در کانون منطق مذاکرات آینده قرار می‌گیرد. این سیاست در قالب مذاکرات استانبول دو و بغداد در سال ۲۰۱۲ در قالب کلی‌تر و در چهارچوب طرح مدالیت‌های جامع در راستای اعتمادسازی بیشتر و با استفاده از متن نگارشی دوجانبه - نماینده جلیلی و اشتون - به مرحله عمل تدریجی درآمد.

اعمال تحریم‌های گسترده یک‌جانبه غرب علیه اقتصاد جمهوری اسلامی ایران به نادیده گرفتن و نارضایتی مسکو منجر شد. به نظر می‌رسد بازگشت به وضعیت مذاکره‌پذیر کردن پرونده هسته‌ای ایران در دوره دوم ریاست جمهوری اوباما، بسته به یکی از این سه وضعیت فرضی باشد: ۱) نرمش واشنگتن در برابر تهران و پذیرش غنی‌سازی در سطح پایین؛ ۲) امتناع ایران از غنی‌سازی اورانیوم و امتیازگیری از غرب در قبال آن؛ ۳) بازیگری مؤثرتر روسیه در فراهم آوردن شرایط برای مذاکره ایران و اعضای گروه ۵+۱. *

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشت‌ها

1. Kenneth Waltz, *Theory of international politics*, (New York: Random house, 1979), p. 79.
2. Ibid, p. 88.
3. Richard Little, *Structuralism and neo-realism*, (London: Routledge, 1985), p. 74.
4. Richard Ashley, "The poverty of neo-realism", *International organization*, Vol. 38, No. 2, 1984, p. 25.
5. Kenneth Waltz, "Structural realism after the Cold Ward", *International security*, Vol. 25, No. 1, 2000, p. 28.
6. Stephan Walt, *Timing America power*, (New York: Cornell university press, 2005), p. 21.
7. J. Nye, *Understanding international conflict*, (New York: Wesley longman, 1997), p. 55.
۸. شیهان، مایکل، امنیت بین‌الملل، مترجم: جلال دهقانی فیروزآبادی، (تهران: مطالعات راهبردی، ۱۳۸۸)، ص ۳۳.
۹. پوراحمدی، حسین، دیپلماسی نوین: جستارهایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، (تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۸)، ص ۴۴.
10. Eugene B. Rumer; Wallander Celeste A., "Russia: Power in weakness?", *The Washington quarterly*, Vol. 27, No. 1, 2003, p. 19.
11. "The foreign policy concept of the Russian federation", 2003, Available at: <http://archive.kremlin.ru>.
12. *Geostrategy*, "The foreign policy concept of the Russian federation", Available at: <http://www.geostrategy.gr/pdf>, 12 July, 2008, p. 13.
13. *MFARF*, "Ministry of foreign affairs of the Russian federation. Speech by dmitry

- medvedev”, Available at: <http://www.geneva.mid.ru>, 2010.
14. “Text of newly-approved Russian military doctrine”, *Carnegie endowment for international peace*, Available at: www.carnegieendowment.org, 2010, p. 4.
۱۵. ایوانف، ایگور، دیپلماسی نوین روسیه: ده سال سیاست خارجی کشور، مترجم: سفارت جمهوری اسلامی ایران در مسکو، (مسکو: الما پریس)، ص ۴۹.
16. Michael Mahadeo, “Superpower and periphery: A religious perspective”, Available at: <http://www.worldpolitics.com>, 2008.
17. Marcel de Haas, “Medvedevs security policy: A provisional assessment”, Available at: <http://www.mydomainwebhost.com>, 2009.
18. James Kurth, “Global threats and American Strategies; from communism in 1955 to islamism in 2005”, *Orbis*, Vol. 49, Issue 4, 2005, p. 19.
۱۹. تقوی اصل، عطار، ژئوپلیتیک جدید ایران: از قزاقستان به گرجستان، (تهران: وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۸۴)، ص ۸۶.
۲۰. سیف‌زاده، حسین، «عرضه سیاست جهانی: جایگاه ایران و روسیه و رابطه دو کشور»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال ۱۲، دوره سوم، شماره ۲۵، ۱۳۸۲، ص ۷۴.
21. Charles Grant, *Iran between world, center for European reform*, (published on open democracy, 2004), p. 39.
22. Mary Buckley, *Reaction in Russian federation and security in central asian*, (London: Routledge, 2006), p. 65.
23. Kevin D. Stringer, “Applying a portfolio approach (2008)”, *Baltic security and defense review*, Vol. 10, 2009, p. 3.
24. Roland Goetz, *Russia and the energy supply of Europe*, (SWP Working paper, 2005), p. 11.
25. Lobjacks, Ahto, “Russia: EU maintains codependent energy relationship”, Available at: <http://www.rferl.org>, 2006.
26. Stephen Blank, *Can east asia dare to tie its energy security to Russian and Kazakhstan?*, (USA Army War College, 2006), P 20.
27. Ibid, p. 23.
28. Andrew Monaghan, *Russian oil and gas and EU energy security*, (Conflict studies research center, Russian series, 2005), p. 5.

۲۹. بهروزی‌فر، مرتضی «بررسی امکان حذف گاز ایران از خط لوله نابوکو»، فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، سال هشتم، شماره ۲۸، ۱۳۹۰، ص ۶.
30. Flockhart Trine, "Hello missile defense-goodbye nuclear sharing?", *DIIS policy brief*, 2010, p. 15.
31. Helene Cooper; David Barboza, "Obama says Russia rest button, has worked", Available at: <http://www.military photos.net>, 2009.
32. John Gault, "The European union: Energy security and the periphery, Geneva center for security policy", *Occasional Paper Series*, No. 40, 2002, p. 3.
۳۳. خالوزاده، سعید، سیاست خارجی مشترک اتحادیه اروپا و نظام بین‌الملل، (معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی / گروه مطالعات اروپا و امریکا، ۱۳۸۹)، ص ۲۵۴.
۳۴. کیانی، داوود، «فراآتلانتیک‌گرایی نوین و تأثیر آن بر روابط اتحادیه اروپا و روسیه»، فصلنامه راهبرد، سال هجدهم، شماره ۵۱، ۱۳۸۸، ص ۱۷۷.
۳۵. احمدی لفورکی، بهزاد، بازدارندگی: کلید حل مسئله هسته‌ای ایران، پرونده هسته‌ای ایران (۴)، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی، ابرار معاصر، ۱۳۸۷، ص ۶.
36. De Haas, op.cit.
37. Lobjacks, op.cit.
۳۸. خالوزاده، پیشین، ص ۲۵۶.
39. Mark Leonard; Nicu Popescu, *A power audit of EU-Russia relations*, (Policy paper, European council on foreign relations, November 2007), p. 11.
40. James Hughes, *EU Relations with Russia: Partnership or asymmetric interdependency?*, (London: School of economics, 2006), p. 44.
۴۱. موسی‌الرضا وحیدی، عصر سرد در روابط اتحادیه اروپا و روسیه تشدید گسست گفتگویی و هویتی در اتحادیه اروپا و سیاست بین‌الملل، (پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۷)، شماره ۱۶، ص ۱۴۲.
42. Richard Hass; Martin Indyk, "Beyond Iraq", *Foreign affairs*, Vol. 88, No. 1, Jan/Feb 2009, p. 22.
43. Ian Bremmer; Samuel Charap, "The Slovakia in Putin's Russia: Who they are and what they want", *The Washington quarterly*, No. 30, Winter 2006, p. 8.
44. D. Goldman, "Russian national security policy after september 11", Available at: <http://fpc.state.gov>, 2011.

۴۵. سنایکشی، جیو «تداوم و تغییر در امنیت ملی و دکترین نظامی روسیه»، مترجم: علی بختیاری، ماهنامه نگاه، اسفند ۱۳۸۰، جلد ۲، شماره ۲۰، ص ۳۳.
46. Anatole Lieven, "The secret policemen ball: the United States, Russian and the international order after 11 september", *International affairs*, Vol. 78, No. 20, 2002, p. 68.
47. www.BBC.com/2 Feb 2011.
48. Kile Shannon, *Europe and Iran: Perspectives on Non-Proliferation*, (Oxford university press, 2005), p. 41.
۴۹. میرطاهری، رضا، «استقرار سپر دفاع موشکی ایالات متحده در اروپا و تأثیر آن در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *اطلاعات راهبردی*، شماره ۵۰، ۱۳۸۷، ص ۲۰.
50. Gawdat Bahgat, "Security in Persian Gulf: Perils and opportunities, contemporary security and threats", *Middle East in sight*, No. 4, 2008, p. 141.
۵۱. متیوز، لیود، *چالش‌های متفان و نامتفان امریکا*، مترجم: علی‌رضا فرشچی و دیگران، (تهران: مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی، ۱۳۸۵)، ص ۴۱.
۵۲. احدی، افسانه، «همکاری‌های نوین روسیه و امریکا»، *دو ماهنامه تحولات ایران و اوراسیا*، شماره ۲۴، ۱۳۸۸، ص ۱۶.
53. Andrew Newman, "Arms control, proliferation and terrorism: The Bush administrations post september 11 security strategy", *The Journal of strategy of strategic studies*, Vol. 27, No. 4, 2004, p. 59.
۵۴. قهرمانپور، رحمن، *رویکرد امریکا به موضوع برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در رویکرد قدرت‌های بزرگ به موضوع هسته‌ای ایران*، (تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۷)، ص ۲۰۴.
55. Amy F. Woolf, *U.S. nuclear weapons: Changes in policy and force structure congressional research service*, (Washington: Congressional research service, August 2006), p. 15.
56. George Lewis; A. Posta Theodore, *European missile defense: The technological basis of Russian concerns*, *Arms control association*, No. 9, 2007, p. 20.
57. Stephan M. Walt, "Mainstreaming war with Iran", Available at: <http://www.foreignpolicy.com>, 2010.
۵۸. عبدالله، علیرضا، «معامله‌ای پنهان با روسیه یا ترفندی تبلیغاتی علیه ایران؟»، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸، از سایت <http://www.irna.ir/View/FullStory/?NewsId=691289>.
59. Alvaro de Vasconcelos; Marcin Zaborowski, *The Obama moment: European and*

- American perspectives*, (Institute for security studies European union, 2009), No. 4, P 55.
60. Bremer Morten; Sverre Lodgaard, *Nuclear proliferation and international security*, (London and New York: Routledge, 2004), p. 84.
61. Kathleen J. McInnis, "Extended deterrence: The U.S. credibility gap in Middle East", *Washington quarterly*, Vol. 1, No. 6, 2005, p. 27.
62. Henri Barkey, *Turkey and the Arab spring*, (Carnegie endowment for international peace, 2001), p. 58.
63. Steven A. Cook, "Arab spring, Turkish fall", Available at: <http://www.foreignpolicy.com/articles>, Nov 5, 2011.
64. Dimitri Trenin, *Russians threat perception and strategic posture in Tehran dimitri and craig nation R, Russian security strategy under Putin: U.S. and Russian perspectives*, (Strategic studies institute, 2007), p. 20.
۶۵. زرگر، افشین، «تنگناهای اتحاد استراتژیک بین ایران و روسیه»، فصلنامه راهبرد، شماره ۳۶، ۱۳۸۴، ص ۷۸.
۶۶. میرطاهری، پیشین، ص ۳۳.
۶۷. مجتهدزاده، پیروز، «تحلیل ژئوپلیتیکی سیاست خارجی روسیه در رابطه با برنامه اتمی ایران (۲۰۰۸-۲۰۰۰)»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هفتم، شماره ۲، ۱۳۹۰، ص ۲۵.
68. Rein Mullerson, "The new cold war: How the Kremlin menace both Russia and the West", *Chinese Journal of international law*, No. 6, 2008, p. 14.
69. www.iran.ir/October15, 2007.
۷۰. احمدی لفورکی، پیشین، ص ۱۸.
۷۱. عباسی اشلقی، مجید، «سیاست سلاح‌های هسته‌ای آمریکا بر اساس دکترین بوش»، پژوهشنامه تروریسم و امنیت بین‌الملل، شماره ۱، ۱۳۸۶، ص ۲۳.
72. War Space, "Russia condemns demagoguery after Ahmadinejad criticism", <http://www.spacewar.com>, May 26, 2010.
۷۳. پرونده هسته‌ای ایران ۳، روندها و نظرها، (تهران: ابرار معاصر، ۱۳۸۶)، ص ۸۲.
74. Richard Sakawa, "New war or twenty years crisis Russia and international politics", *International affairs*, No. 9, 2008, p. 10.
75. A. Cordesman; A. Seitz, *Iranian weapons of mass destruction, the birth of a regional nuclear arms race*, (Center for strategic & International studies, 2009), p.47.

76. Richard Russell, "Off and running, The Middle East nuclear arms race", *JFQ*, issue 58, 3d quarter, Rund press, <http://www.ndu.edu>, 2010.
77. Philip Gordon, "The end of the Bush revolution", *Foreign affairs*, Vol. 85, No. 4, 2006, p. 20.
78. مجتهدزاده، پیشین، ص ۲۹.
79. همان.
80. عبدالله، پیشین، ص ۱۱.
81. خرسند، علیرضا، «استاد دانشگاه هاروارد بررسی کرد، معامله ناگزیر امریکا و روسیه بر سر ایران»، ۱۳۸۶ از سایت <http://www.aftabnews.ir/vdcgzy93.ak9qq4prra.html>
82. RIA Novosti, 18/8/2010.
83. Gordon, op.cit.
84. D. Kramer, "Resetting US-Russia Relations: It Takes Two", *The Washington quarterly*, No. 4, 2010, p. 63.
85. Stephen Kinzer, *Over throw Americas century of Regime change from Hawaii to Iraq*, (Times books, 2008), p. 13.
86. Russell, op.cit.
87. Ibid.
88. Ibid.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی